اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت بیست و سوم)

خدا (بخش دوم)

انشتاین میگوید که بشر پس از آشنا شدن با فیزیک جدید همین قدر می تواند ادعا کند که با الفبای کتاب آفرینش آشنا شده است و نه بیشتر. از نظر بزرگترین دانشمند فیزیک جهان، علوم قرن حاضر فقط یک الفبا است. به قول دیگر ، بشر در دوران بچگی علمی به سر می برد.

یک طوفان جوی روی سیاره مشتری سیصد سال پیش شروع شده است و هنوز تمام نشده است؛ در حالیکه طوفانهای سیاره زمین حداکثر یک هفته طول میکشد. در

سیاره زهره، اسید می بارد و هیچ سفینه ای بیشتر از یک ساعت نمی تواند دوام بیاورد. در بعضی سیاره های منظومه شمسی، هزاران سال پیش آتشفشان هایی شروع به فعالیت کرده اند و هنوز خاموش نشده اند، در حالیکه مدت فعالیت آتش فشان در روی زمین، محدود است. مشتری ۱۳۰۰ برابر زمین حجم دارد و هر دوازده سال یکبار دور خورشید می چرخد ولی هر روز در مشتری ده ساعت است. یعنی سرعت گردش مشتری دور خودش نسبت به حجمی که دارد بسیار زیاد است و تقریبا مثل فرفره دور خودش می چرخد. یک فرد در زمین میتواند تا ۵ برابر وزن خودش را بمدت کمی تحمل کند که در سیاره مشتری جاذبه بسیار بیشتر است و در این حالت بدن انسان له و خرد میشود. در سیارات دیگر نمیتوان ساخت و ساز کرد و به این راحتی ها نمیتوان آن را سرپا نگهداشت. جاذبه زیاد هر چیزی را فرو می ریزد. در سیارات دیگر منظومه شمسی، آب در دمای صد درجه نمی جوشد و در دمای صفر درجه یخ نمی بندد. بیشتر شهاب سنگهای سرگردان منظومه شمسی توسط سیاره مشتری جذب میشود و این یعنی سیاره مشتری خطرات برخورد شهاب سنگ ها به زمین را دفع میکند.

در بعضی نقاط زمین، گاهی دو خورشید مشاهده شده است. همانطور که در تصویر زیر مشاهده میشود.



این پدیده بعلت نزدیک شدن سیاره مشتری به زمین و انعکاس نور خورشید بر آن رخ میدهد. در این تصویر ، جو سیاره مشتری طوری نور را بازتابش میدهد که انگار یک خورشید دیگر هم هست. اما همه میدانیم که بازتابش نور خورشید روی ماه سفید است و شبها زمین را زیاد روشن نمی کند. همین نکته خودش نعمت بزرگی است. تصور کنید که جنس خاک ماه طوری بود که نور زیادی را بازتابش میکرد؛ آنوقت شبها آرامش نداشتیم و محاسبات بشر به هم میخورد.

تمام این آیات و نشانه ها نشان میدهند که زمین بطرز عجیبی برای مناسب بودن زندگی انسان، کنترل میشود و شخصی سازی شده است. زلزله روی ماه و یا مریخ یک ساعت و نیم طول میکشد ولی روی زمین یک دقیقه طول میکشد. اگر روی زمین یک زلزله یک ساعت طول بکشد؛ کل آن منطقه را نابود میکند. ما تابحال فکر

می کردیم؛ خدا میخواهد زمینیان را با عذاب کردن از بین ببرد. در حالیکه خدا با کنترل زمین لرزه و آتشفشان و دمای زمین و سایر پارامترها، میخواهد که هنوز زمین جای زندگی باشد و انسانها برای پرورش نفس خویش کاری انجام دهند.

سوال مهمی که بعضی مردم از خود می پرسند این است که پس چرا خدا مردم را به حال خود رها کرده است و برای آنها راهنمایی نمیفرستد و چرا خدا نمیخواهد که حق را از ناحق مشخص سازد؟ چرا خدا کاری انجام نمیدهد؟ کاری که همه را به راه راست به طور اجبار هدایت کند. مثلاً زمانی خدا برای بنی اسرائیل مرده را زنده کرد و به دست مسیح کور را شفا می داد اما چرا اکنون این ها نمانده است؟ چرا خدا کاری نمی کند که همه او را بشناسند و همه به خطای خویش پی ببرند؟

نکته اینجاست که خدا به اجبار نمی خواهد مردم را به راه راست هدایت کند زیرا در اجبار، نفس رشد نمی کند. قوم صالح از صالح معجزه خواستند که شتری را از دل کوه بیرون آورد. اما آنان بعد از ظاهر شدن شتر، زیر معجزه زدند و در نتیجه نابود شدند. نشانه های مستقیم خدا در صورت رد شدن، منجر به نابودی افراد می شود. شاید از خود بپرسیم که چرا خدا نسخه‌های اصلی انجیل و تورات را به مردم نشان نمی دهد تا بسیاری از مردم جهان از خرافات دست بردارند. زیرا خدا می خواهد زندگی مردم همچنان ادامه یابد و آزمایش آنان این طوری طراحی شده است. البته آن روز هم می آید و در روز قیامت هر چیزی برای مردم ثابت می شود. به همین خاطر مردم گیج و منگ میشوند و نمی توانند زندگی را ادامه دهند .

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿۷۱﴾

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی میکرد قطعا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می شد [نه] بلکه یادنامه شان را به آنان داده ایم ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگردانند (۷۱)

بر اساس آیه قرآن در سوره الرحمن، خدا عدالت و ترازو را در گستره آسمانها و زمین برقرار کرده است و البته بشر است که این عدالت و ترازو را به هم میزند و زده است.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿۵﴾خورشید و ماه بر حسابی [روان]اند (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿۶﴾و بوته و درخت چهره سایانند (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۷﴾و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۸﴾تا مبادا از اندازه درگذرید (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید (۹)

دلیل واقعی فقر انسان به هم زدن این ترازو و خارج ساختن ترازو از اصل خودش است. به شما قول می دهم اگر روزی خورشید و ماه، کنترل آن دست بشر می افتاد، استفاده از آن پولی می شد و سران کشورها برای استفاده از نور خورشید و ماه ، پول می گرفتند و از دیگران باج میخواستند. بشر عدالت به روش خودش را بارها اجرا کرده است و آن را از حالت میزان خارج ساخته است . اما خدا عدالت را بطور میزان و صحیح برقرار کرده است و آن را در اختیار مردم گذاشته است(وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ **). دلیل واقعی فقر و فلاکت انسان طغیان بر علیه عدالتی است که خدا برقرار کرده است. (**أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ **)**

یک داعشی عدالت را در سربریدن و اعدام افراد مخالف خویش می‌داند و هر کسی به دید خویش عدالت را برقرار می کند و جالب است که این افراد انتظار دارند که خدا هم مثل آنها رفتار کند! و حتی خیلی مواقع خودشان را در اجرای عدالت جای خدا می گذارند و به نام خدا این عدالت من در آوردی را اجرا میکنند. بشر به نام دین، بی عدالتی را اجرا میکند و اسمش را عدالت می گذارد.

بعضی ها دعا کردن را با دستور دادن اشتباهی گرفته اند مثلاً یکی عصبانی می شود و از خدا میخواهد که طرف مقابل را از بین ببرد. ولی باید بدانیم که این دعا نیست بلکه یک دستور است در حالی که خدا می فرماید دعا باید در حالت تضرع و پنهانی

باشد دعایی که از صفات شیطانی مثل عصبانیت و خشم و ... برخیزد، قطعا حالت تضرع ندارد و نزد خدا ارزشی ندارد.

بشر قضاوت و عدالت را به روش خویش اجرا می کند. مثلاً داعش افرادی که نماز نمی خوانند را می کشد. به این طریق افرادی مثل داعش، خود را جای خدا قرار داده اند. کسانی که عدالت را در همین دنیا به روش خویش، بر خلاف دستور خدا انجام میدهند به آخرت ایمان ندارند؛ زیرا اگر به آخرت ایمان داشتند صبر میکردند تا خدا آن را اجرا کند. آنها به نوعی صحنه قیامت را زود زود بازسازی می کنند. مثلاً کسی مثل خلخالی افراد را می کشت و میگفت اگر فرد خوب باشد به بهشت میرود و اگر هم بد باشد به جهنم میرود! این طرز گفتار نشان از عدم ایمان طرف مقابل به آخرت دارد زیرا وظیفه انسان اجرای داوری در مقابل ایمان افراد نیست؛ بلکه این کار، فقط کار خداست.

فرصتی که خدا در روی کره زمین برای زندگی به افراد داده است را فقط خدا خودش می تواند بگیرد و گرفتن این زندگی فقط حق خود خداست. در قرآن قسط به معنای قضاوت های دنیایی است. داعش و طالبان و سایر گروه های افراطی قضاوت و عدالت را حق خودشان می دانند به این طریق آنها می خواهند در این مسیر جای خدا را بگیرند. در قسمتهای قبلی عرض شد که در عرفان مجوسی و مجیکال یوگی ها و صوفی ها می خواستند بعضی صفات خدا را پیدا کنند و به آن صفات دست یابند. داعش و طالبان و سایر گروههای افراطی هم چنین ایده ای را

در سر دارند و این همان عرفان مجوسی است که طالبان و داعش اجرا میکنند. زمانی که افراد در مقابل دستورات خدا طغیان میکنند از قسط و عدل بیرون می آیند. خدا خودش جان را به ما داده است و فقط او هم حق دارد جان را بگیرد و جان افراد فقط دست خداست. خدا فقط در یک مورد جان گرفتن افراد را مجاز دانسته است و آن هم قصاص در مقابل جان و یا در جنگها. با این حال خدا در مقابل گرفتن جان، بخشش قاتل را پیشنهاد میدهد. در عرفان مجوسی که طالبان و داعش و افراط گراها و حدیث گراها و صوفی ها و یوگی ها اجرا میکنند، رسیدن به صفات خدایی مورد هدف است و افراد خودشان را جای خدا قرار میدهند. خدای مهربان حکیم کشتن یک انسان بدون قصاص را مساوی با گرفتن جان تمام انسانها میداند و نجات جان یک انسان را مساوی با نجات جان کل انسانها میداند.

شیطان درون کاوی را برای قربانیان خود ترویج می‌کند. اما خدا هفت آسمان آفریده که هر کدام از دیگری بسیار بزرگتر است و بندگان خود را به تحقیق و تفحص در آنها دعوت می کند. خدا افراد را دعوت نمی کند که سر در لاک خویش فرو برند. دنیای شیطانی که در اشعار و توهمات وسوسه میشود، بسیارمحدود و نا امید کننده است.

سرخپوستان و قبایل بومی در سراسر جهان هنوز بعضی مراسم شیطان پرستی دارند هیچ گونه پیشرفتی در زمینه علم و تکنولوژی نکرده اند زیرا شیطان با ترویج روش

های خویش عملا آن مردم را از دستیابی به علم باز داشت. بشر بدون کمک وحی خدا هیچی نیست.

مارلون براندو میگوید که ترجیح میدهم روی موتورسیکلتم باشم و به خدا فکر کنم تا اینکه تو کلیسا باشم و به موتورسیکلتم فکر کنم. این حرف گرچه درست است ولی نشان از محیط نامناسب برای دین دارد. ما مجبور نیستیم در یک محیط نامناسب عبادت کنیم. خدا از مسجد ضرار صحبت میکند و آن را برای عبادت رد میکند. ما موظف و مجبور نیستیم دستورات دینی را از مراجع دینی بگیریم. خدا یک کتاب آسمانی بنام قرآن برای ما فرستاده است که راهنمای کسانی است که هدایت میخواهند. کسانی که هدایت نمیخواهند، به ظاهر از قرآن پیروی میکنند و البته عملا هیچوقت به قرآن مراجعه نمی کنند. انگار قرآن با یک زبان غیرقابل فهم برای آنان نازل شده است. خدا قرآن را نازل فرموده است؛آیا کسی بهتر از خدا میتواند مطلبی را برای بشر توضیح دهد. بعضی از مردم نماز بجا نمی آورند و میگویند که دین خراب شده است! کسی که مطلع باشد و مطمئن باشد دین رایج در جامعه خراب شده است، قادر به تشخیص دستورات غلط و صحیح از همدیگر است و باید راه درست را انتخاب کند. مغز انسان فوق پیشرفته است. شما یک نفر که بیست سال پیش یکبار دیده ای، را باز هم تشخیص میدهید. آلگوریتم تشخیص چهره مغز ما فوق العاده است که هنوز هوش مصنوعی به آن نرسیده است. مغزی که این قدر پیشرفته است، براحتی میتواند جملات و کلمات خدا را متوجه شود. خدا ما را آفریده

است و به آلگوریتم مغز ما هم کاملا واقف است و او بهتر از هرکسی میداند که نقطه قوت انسانها چیست و بنابراین جملاتی که خدا برای راهنمایی ما میفرستد، کاملا حساب شده و در حد توانایی فهم ماست. خدا قرآن را آسان نازل فرموده است و در حد توانایی مغز ما ، صحبت نموده است.